

حقیقت زمان

مؤلف : عبدالله کاظمی سرملی

www.Ketab.ir

سرشناسنامہ: کاظمی سرملی، عبداللہ ۱۳۵۵۔ عنوان و نام پدید آور: حقیقت زمان /

مولف عبداللہ کاظمی سرملی۔ مشخصات نشر: رودسر، اخیار ۱۳۹۷۔ مشخصات ظاہری ۱۰۲

ص۔ شابک: ۴-۰۷-۷۷۹۴-۶۰۰-۹۷۸ وضعیت فہرست نویسی: فیپا موضوع: زمان۔

موضوع: time موضوع: زمان-ادراک موضوع: timeperception

ردہ بندی کنگرہ: ۱۳۹۷ ح ۷ ک ۲/۶۳۸ BD

ردہ بندی دیوی: ۱۱۵۔ شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۷۰۷۸۷

شناسنامہ اثر:

عنوان: حقیقت زمان

نوع اثر: علمی

مولف: عبداللہ کاظمی سرملی

ناشر: اخیار

سال نشر: ۱۳۹۸ چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ اریال

صحا فی: چاپ البرز۔

۶	: بیوگرافی مولف
۷	: مقدمه
۱۲	: فصل اول: زمان چگونه بوجود آمد
۱۷	: فصل دوم: رابطه زمان با زمین
۱۹	: فصل سوم: رابطه زمان با نور
۲۱	: فصل چهارم: رابطه زمان با کیهان
۲۴	: فصل پنجم: انرژی و رابطه آن با نور
۲۸	: فصل ششم: انطباق انرژی و ماده
۲۹	: فصل هفتم: تغییر؛ مبنای حرکت
۳۱	: فصل هشتم: رابطه فضا و زمان
۳۶	: فصل نهم: یک عمر مجازی در فضا
۴۱	: فصل دهم: توهیم؛ زمان و کاربرد آن در فرمولها
۴۴	: فصل یازدهم: رابطه فضا و ماده
۴۹	: فصل دوازدهم: اگر کل جهان فقط یک ماده باشد
۵۴	: فصل سیزدهم: عمر یک ماده از زمان زمانی
۵۶	: فصل چهاردهم: انرژی درونی یک ماده
۶۴	: فصل پانزدهم: $E = M \cdot C^2$ چگونه بدست آمد
۶۹	: فصل شانزدهم: کوچکترین لحظه ممکن در عالم دیداست
۸۰	: فصل هفدهم: همه چیز همزمان وجود دارد: گذشته، آید و حال
۸۶	: فصل هیجدهم: چگونه جهان ما را در توهیم خود نگه داشته
۹۱	: فصل نوزدهم: انرژی درونی ماده و رابطه ی آن با $E = M \cdot C^2$
۹۹	: فصل بیستم: تاریکی چیست

نام این کتاب «حقیقت زمان» است. در این کتاب سعی شده تا پدیده زمان به چالش کشیده شود. به این مفهوم که اصلاً زمان چیست یا چگونه شکل گرفت، آیا این یک حقیقت است یعنی همیشه بوده و خواهد بود یا آنکه بشر به طور خواسته یا ناخواسته آن را موجودیت بخشیده و اکنون فراموش کرده که خود خالق آن بوده. در هر صورت در این کتاب همه ی این موارد در بررسی قرار گرفته و در نهایت ثابت می شود که زمان حقیقت ندارد....

در مورد این اثر در ابتدا باید بگویم این کتابی که اکنون در دست شما است، از اول اصلاً قرار نبرد تبدیل به کتاب شود و در واقع این دل نوشته های من بود و من سالهاست که این مطالب را پیش خودم داشتم اما سرانجام با تشویق دوستانم تصمیم گرفتم تا آن را تبدیل به یک کتاب کنم. ابتدا دوست داشتم نام این کتاب را "اندیشه های من" بگذارم که البته هدف من نیز همین است، اما از آنجا که متن کتاب به گونه ای بود که چندان با این اسم متناسب به نظر نمی رسید و دارای هدفی است که زمان را به چالش می کشد. پس بهتر بود آنرا به نام فعلی یعنی "حقیقت زمان" تغییر دهم. اما شما می توانید آنرا گفتگویی دوستانه بین من و خود بدانید. در مورد بیشینه و زمینه های شکل گیری تفکر در مورد حقیقت زمان یعنی کتاب حاضر باید اذعان کنم که دانش آموز نابغه ای نبودم اما کنجکاو و پرسشگر و همواره رؤیاهای بزرگی در سر می پروراندم و از اوان کودکی همیشه سؤالات عجیبی از والدینم و با کسانی که با سواد بودند می پرسیدم.

بعنوان مثال: برایم همیشه سؤال بود که این خورشید پر انرژی، انرژی خود را از کجا تأمین می کند و آیا روزی انرژیش تمام می شود. اگر خاموش شود چه می شود؟

همین طور سؤا‌له‌هایی نظیر آخر دنیا کجاست؟ ما کجای این هستی هستیم؟ لحظه پیدایش حیات بر روی زمین چگونه اتفاق افتاد؟ آیا غیر از زمین موجودات دیگری در فضای کهکشان وجود دارد؟ اگر جاذبه زمین از بین برود، وضعیت اقیانوس ها چه می شود؟

چگونه درختان، هنگام بهار گل می دهند؟ آیا آنها این را می دانند و هوشمند هستند، آیا دید دیگری در کار است؟ و خلاصه دهها پرسش دیگر از این دست.

به مراتب که بزرگتر شدم سؤا‌له‌های بیشتری ذهنم را پر کرد، مانند این سؤال که هدف از آفرینش ما انسانها چه بود؟ آب، آنچه که به نام سرنوشت که بعضیها معتقدند، حقیقت دارد؟ یعنی قبل از آنکه به این جهان پا بگذاریم یک سری تجربیات برایمان در نظر گرفته شده و ما با آمدن به این دنیا فقط آنها را دوباره باز خوانی می کنیم؟

به هر حال این ذهن پویا هیچوقت بیکار نمی نشیند. اصولاً بنده انسانی درونگرا هستم و روی پدیده ها و هر موضوعی به تفکر می‌کنم. حتی گاهی برای حل یک مشکل ممکن است هفته ها و ماهها فکر کنم تا راهی برای آن پیدا کنم.

ساختار سه بعدی ذهنم یا همان مجسم سازی همیشه فعال است. و البته این بسیار خوب است. چون وقتی گُل مشکل را در فضا و در مقابل دیدگان خود یک جا ببینی قطعاً آسان تر می توانی آنرا حل و فصل کنی تا

آنکه فقط بخشی از آنرا ببینی. در هر صورت این مسائل و سوالها همواره ذهنم را مشغول می کرد تا آنکه قضیه گذشت زمان برایم پیش آمد. اما چگونه؟

وقتی نگاهی به گذشته زندگی خودم کردم متوجه چیزی شدم که برایم جالب بود. من متوجه شدم که تاکنون هر چه را که عمیقاً خواسته ام به دست آورده ام. در واقع آنرا تجربه کرده ام. موردهای مختلفی بود بعنوان مثال: زمانیکه سرباز بودم و دوره آموزشی را میگذراندم خیلی دوست داشتم ادامه سربازیم را. در شهر مشهد مقدس بگذرانم. به طور معجزه آسایی فقط یک نفر آنجا می خواستند. از میان ۱۱۷ نفر قرعه به نام من افتاد.

یا یکبار دیگر. یادام هست در یک مسجد بخاطر نیمه شعبان می خواستند با طرح چند سوال که نفرات اول تا سوم جایزه دهند و من در آن مسابقه عمیقاً معتقد بودم که برنده میشوم. زمانیکه مجری می خواست اسامیه افراد برنده را اعلام کند. من قبل از آنکه مجری اسامی را بیان کند از جایم بلند شدم و دوستانم با خنده بند را سر جایم نشاندند اما بی فایده بود چون مجری اسم اینجانب را بعنوان اولین برنده، (نفر اول) اعلام کرد و برای همه بسیار جالب بود. البته این موارد باز هم برایم پیش آمده و زیادند. حتی مواردی هست که اکنون بیشتر متوجه آنها میشوم که قبلاً آنها اینطور فکر نکرده بودم. مثلاً راجع به ازدواج یا شغل و یا اتفاقات خاص. دیگر که به نظر می رسد در زمان مناسبی برایم اتفاق افتادند که البته بد یا خوب آنها را مورد قضاوت قرار نمی دهم اما به نظرم برای آن لحظه متناسب با حال و روزم بودند و برایم بسیار جالب هستند و من به همه توجه دارم و اکنون بیشتر از گذشته توجه می کنم.

با خودم گفتم اگر اینطور باشد که من به هر چه عمیقاً فکر کنم آنرا بدست می آورم پس چرا برخی دیر و برخی زود اتفاق می افتند. در واقع حلقه گمشده من «بعد زمان» بود چون اگر زمان وجود نداشت باید همه چیز را حل شده می دانستم. اینجا بود که تصمیم گرفتم زمان را موشکافی کنم. در واقع می دانم که این مشکل اکثر مثبت اندیشان عصر جدید است. آنها مثبت فکر می کنند اما می بینند اتفاقی در زندگی آنها آنگونه که اراده کرده اند نمی افتد. زندگی کما فی السابق به روند خود ادامه می دهد. آنها می پرسند پس این فکر من چه زمانی اتفاق می افتد.

من در این سال بسیار سعی کردم تا «بعد زمان» را بطور کامل به چالش بکشم. البته در این راه به یاری هکاترین خوانندگان محترم نیز نیاز دارم.

من حاصل سالها تفکر، تمرین و درک از مطالب مختلف و جمع بندی آنها را در اینجا جمع آوری کرده ام و امیدوارم که برای همگان مفید واقع شود. باور کنید بسیاری از اوقات برای نگه داری رانترها در ذهن خودم و پرداختن به پارامتر دیگر به دلیل فرار بودن آنها باعث می شد شدیدا دچار سر درد شوم چون گاهی اوقات برای درک بهتر یک موضوع ترس و نگرانی لازم است چند مطلب تازه و جدید را در کنارش در ذهنت همزمان نگه داری و این اندیشیدن همزمان به چند چیز باعث سردرد می شود. این امکان هر وقت شاید من اینطور باشم اما به هر حال من دست بردار نبودم و البته گاهی کشف مطالب برایم بسیار شیرین می شد و خستگی از تنم بیرون می رفت. ناگفته نماند من شغلم آزاد است و بسیاری از اوقات درون مغازه ام به این چالشها می پرداختم و گاهی هم شبها هنگامی که به منزل باز می گشتم آنها را دنبال می کردم. اینها را گفتم تا بیشتر در جریان باشید ناگفته نماند برخی از منابعی که بنده

مطالعه نمودم بسیار اثر گذار بودند و به من در راستای تحقق اهدافم کمک فراوان کردند. از جمله مؤثرترین این منابع کتابهای آقای دونالد والش هستند. اما نکته ای که لازم می دانم در اینجا با شما در میان بگذارم و آن این است که بسیاری از مطالب علمی که در این اثر آمده است و احیاناً اگر در جای دیگر نیز تکرار شده باشد به این معنی نیست که من آنها را مستقیم از جای دیگر برداشته ام. حتی بنده نه فیزیک دان هستم و نه ریاضی دان اما مطالعاتی در راستای ذهنم دنبال کردم و نهایتاً به اینجا رسیدم. به عنوان مثال در این کتاب فرمول $E = M \cdot C^2$ آمده که گرچه جناب انیشتین آنرا سالها پیش کشف کردند، من نیز یک بار دیگر از صفر شروع کرده و برای خودم بدست آوردم و در واقع خودم ثابت کردم بدون اینکه کوچکترین اطلاعی در مورد چگونگی کشف این فرمول توسط آن جناب داشتم. من جز یکی دو مورد از انیشتین چیز دیگری نه شنیدم و نه کتابی از او دارم و نه مطالبی در مورد زندگی او می دانم. البته هنوز هم نمی دانم او چگونه این فرمول را بدست آورده و شاید حتی آنچه که او گفته با آنچه که من گفتم با هم فرق داشته باشد نمی دانم.

من سعی فراوان کردم و این فرمول را در مسیرم پیدا کردم و چون خودم آن را مجدداً و برای خودم پیدا کردم، بنابراین تا آنجا که و البته می توانم در مورد آن توضیحاتی بدهم و حتی آنرا ارتقاء ببخشم که در حیطه مطالعه این کتاب آنرا بیشتر درک می کنید و نهایتاً خواهید دید که زمانی جز زمان اکنون وجود ندارد و پدیده زمان حقیقت ندارد.